

A Comparative Psychological – Legal Analysis of the Grounds for Cognitive Biases in Default Arbitration and the Mechanisms for Preserving Arbitrator Impartiality



آیین دادرسی مدنی تطبیقی
Comparative Civil Procedure

تحلیل تطبیقی
روان‌شناختی – حقوقی
از زمینه‌های بروز انواع
سوگیری‌های شناختی
در داوری غیابی و
راهکارهای حفظ
بی‌طرفی داور

Seyed Nasrollah Ebrahimi: Associate Professor of Private & Islamic Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. **email:** snebrahimi@ut.ac.ir

Amir Reza Sharbatian Semnani: PhD Candidate of Oil and Gas Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran. **email:** amir.sharbatian@ut.ac.ir

Sina Barzegar: M.A, Faculty of Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran. **email:** sinabarzegar@ut.ac.ir

Default arbitration, due to the non-appearance of the respondent and the absence of their defenses, constitutes a context susceptible to cognitive biases affecting arbitrators. This vulnerability exists across all types of arbitration, including commercial and domestic and international investment arbitration, potentially compromising the arbitrator's impartiality. The present study aims to identify the circumstances in which cognitive biases emerge in default arbitration and to propose effective legal mechanisms to safeguard arbitrator impartiality. Employing a qualitative, analytical-comparative methodology, the research integrates principles of cognitive psychology—specifically the “fast and slow thinking” theory—and arbitration law, based on library-based analysis. Ten distinct cognitive biases were identified, each capable of influencing both procedural and substantive rulings in the absence of the respondent. The redesign of procedural requirements, engagement of independent experts, and establishment of multi-member arbitral tribunals, as opposed to sole arbitrators, can mitigate these biases and reinforce arbitrator impartiality. Properly structured procedural safeguards not only control cognitive biases but also enhance the legitimacy and enforceability of arbitral awards.

Keywords: Default arbitration, Arbitral Award, Cognitive Bias, Confirmation Bias, Effective Notification

تحلیل تطبیقی روان‌شناختی - حقوقی از زمینه‌های بروز انواع سوگیری‌های شناختی در داوری غیابی و راهکارهای حفظ بی‌طرفی داور

نوشته

امیررضا شربتیان سمنانی*
سید نصراله ابراهیمی**
سینا برزگر***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۱

چکیده

داوری غیابی به دلیل غیبت خوانده و فقدان دفاعیات وی، زمینه‌ای مستعد برای بروز سوگیری‌های شناختی در داور فراهم می‌سازد. این وضعیت در تمامی انواع داوری از جمله تجاری و سرمایه‌گذاری، اعم از داخلی و بین‌المللی، می‌تواند بی‌طرفی داور را با چالش مواجه کند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی زمینه‌های بروز سوگیری‌های شناختی در داوری غیابی و ارائه راهکارهای حقوقی مؤثر برای حفظ بی‌طرفی داور انجام شده است. این پژوهش به صورت کیفی، با رویکردی تحلیلی-تطبیقی میان روان‌شناسی شناختی و حقوق داوری و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. در بخش روان‌شناختی، از نظریه تفکر تند و کند برای تبیین نحوه تصمیم‌گیری داور و بروز سوگیری‌ها استفاده شده است. به این ترتیب، ده نوع سوگیری شناختی شناسایی شد که می‌توانند تصمیمات شکلی و ماهوی داور را در غیاب خوانده تحت تأثیر قرار دهند. بازطراحی الزامات شکلی در قواعد داوری، استفاده از کارشناسان مستقل و تشکیل هیئت داوری به جای داوری منفرد می‌تواند از شدت اثر این سوگیری‌ها بکاهد و بی‌طرفی داور را تقویت کند. طراحی دقیق این الزامات، علاوه بر کنترل سوگیری، به حفظ اعتبار رأی داوری یاری می‌رساند.

کلیدواژه: ابلاغ مؤثر، رأی داوری، سوگیری تأییدی، سوگیری شناختی، غیبت خوانده.



آیین دادرسی مدنی تطبیقی
Comparative Civil Procedure

تحلیل تطبیقی
روان‌شناختی - حقوقی
از زمینه‌های بروز انواع
سوگیری‌های شناختی
در داوری غیابی و
راهکارهای حفظ
بی‌طرفی داور

* دانشجوی دکتری حقوق نفت و گاز، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران. نویسنده مسئول
** دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
*** کارشناسی ارشد از دانشکده روانشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

یکی از مهم‌ترین اصول داوری اعم از داخلی و بین‌المللی، اصل بی‌طرفی داور است که هم‌راستا با اصل برخورد برابر با طرفین به‌عنوان یکی از شروط صحت رأی داوری شناخته می‌شود. غیبت خواننده در رسیدگی، زمینه‌ساز چالش‌های ویژه‌ای در تحقق اصل بی‌طرفی است. حاضر نبودن خواننده در فرایند داوری نه تنها شرایط تصمیم‌گیری را برای داور پیچیده‌تر می‌سازد، بلکه می‌تواند سبب بروز مواردی شود که بی‌طرفی داور را مخدوش کرده، رأی وی را سرانجام در معرض ابطال از جانب دادگاه قرار دهد. در چنین شرایطی، واکاوی جزئی‌نگرانه ادعای خواهان از سوی داور، در فقدان دفاع خواننده، می‌تواند داور را به موقعیتی سوق دهد که وکیل مدافع خواننده باید در آن قرار می‌گرفت. از طرفی داور ممکن است بدون آنکه آگاه باشد، در معرض سوگیری‌های شناختی قرار گیرد که از غیبت خواننده حادث شده، ممکن است جریان رسیدگی را به‌سوی منافع خواهان هدایت کند؛ بنابراین داور در چنین شرایطی بر لبه تیغی قدم گذاشته که کوچک‌ترین انحرافی، او را به پرتگاه نقض بی‌طرفی می‌کشانند. تأثیر سوگیری‌های شناختی می‌تواند از تصمیمات شکلی مانند احراز صحت ابلاغ تا تصمیمات ماهوی (در موارد موضوعی و حکمی) را شامل شود. به همین دلیل، صرف الزام به بی‌طرفی در متون قانونی و قواعد داوری، برای جلوگیری از سوگیری کفایت نمی‌کند؛ بلکه لازم است زمینه‌های ایجاد هر سوگیری به‌صورت عینی شناسایی شده تا متناسب با زمینه شکل‌گیری هر کدام، راهکاری مناسب پیشنهاد گردد. مطالعات پیشین هرچند به‌طور مستقل به داوری غیابی و بی‌طرفی داور پرداخته‌اند، از تحلیل عوامل روان‌شناختی مؤثر بر رفتار داور در این شرایط غافل مانده‌اند. برای مثال، پژوهش «مطالعه تطبیقی رویکردهای ملی و بین‌المللی به داوری در غیاب خواننده» (غمامی، ۱۴۰۱: ۶۸۳) تنها به نگرانی‌های مربوط به بی‌طرفی اشاره دارد، بدون ارائه راهکارهای مشخص. همچنین، مطالعه‌ای آزمایشگاهی در دانشگاه شیکاگو گرایش‌های ذهنی داور را در نبود تقارن اطلاعاتی بررسی کرده، گرچه مستقیماً به داوری غیابی نپرداخته است. (Puig & Strezhnev, 2017) این پژوهش با بهره‌گیری از «نظریه تصمیم‌گیری دوفرایندی»^۱ به‌عنوان چارچوب نظری، سازوکار تصمیم‌گیری داور را با تمرکز بر نقش سیستم‌های شهودی و تحلیلی بررسی می‌کند. روش تحقیق، کتابخانه‌ای و با رویکردی تحلیلی-توصیفی است؛ به‌گونه‌ای که ابتدا مفاهیم داوری غیابی و بی‌طرفی تبیین و سپس زمینه‌های بروز سوگیری‌های شناختی شناسایی و تحلیل شده‌اند. در پایان، راهکارهایی عملی برای کاهش این سوگیری‌ها با اتکا به یافته‌های روان‌شناختی و ظرفیت‌های نهادی داوری ارائه شده است.



۱. داوری غیابی و بی طرفی داور

۱.۱. داوری غیابی

«داوری غیابی»^۱ وضعیتی در فرایند داوری است که طی آن یکی از طرفین اختلاف، برخلاف انتظار ناشی از توافق اولیه برای رجوع به داوری، از مشارکت مؤثر در روند رسیدگی امتناع می ورزد و مرجع داوری ناگزیر می شود تا رسیدگی را در غیاب او ادامه داده، در نهایت به اتخاذ «رأی»^۲ مبادرت نماید. مبنای اعتبار داوری در وضعیت رسیدگی غیابی، احترام به «اصل لزوم قرارداد»^۳ و پایبندی به توافق اولیه طرفین مبنی بر ارجاع اختلاف به داوری است. غیبت ممکن است از ابتدا با خودداری از ورود به داوری یا در ادامه با ترک روند رسیدگی، مانند حضور نیافتن در جلسات یا ارائه ندادن لوایح رخ دهد. این مفهوم گرچه غالباً درباره خوانده به کار می رود، گاه شامل خواهان نیز می شود؛ مثلاً زمانی که پس از آغاز دعوا، رسیدگی را بدون دلیل رها کند (Born, 2014: 3027). اما با توجه به اینکه غیبت معمولاً از سوی خوانده رخ می دهد، در این پژوهش فرض بر آن است که خوانده، غایب در داوری است. اگرچه اصطلاح داوری غیابی به صراحت در قوانین ملی کشورها یا قواعد نهادهای داوری به کار نرفته، اما وضعیت حقوقی ای که این اصطلاح در پی توصیف آن است، شناسایی شده و برای مشروعیت بخشی به رأی آن، الزاماتی تعیین شده است. اتکای درخواست خواهان به سببی قابل قبول، فقدان عذر موجه خوانده از حضور در داوری، و رعایت قواعد ابلاغ صحیح، از جمله مواردی است که جمع آنها تشکیل داوری و ادامه آن را توجیه می کند (عَمَامی، ۱۴۰۱: ۶۷۷). ابلاغ مؤثر و فرصت پاسخگویی، ضامن مشروعیت داوری غیابی تلقی می شود؛ از همین رو، در صورتی که غیبت خوانده ناشی از اهمال یا امتناع وی باشد، مانع از جریان داوری نخواهد بود. در دکتترین حقوقی نیز مشروعیت رأی داوری، صرفاً در صورتی پذیرفته می شود که اصول بنیادین دادرسی منصفانه، از جمله حق دفاع و امکان واقعی مشارکت، رعایت شده باشد (Redfern & Hunter, 2015: 368–370).

در پایان توجه به این نکته ضروری است که برخلاف رسیدگی غیابی در مراجع قضایی که به صدور حکم غیابی و امکان واخواهی و تجدیدنظر برای غایب می انجامد، رأی صادرشده از سوی داور در غیاب خوانده از نظر آثار حقوقی تفاوتی با رأی صادره در حضور طرفین ندارد. در داوری، طرف غایب تنها در صورت وجود ایراداتی مانند



1. Default arbitration or Ex parte arbitration
2. Award
3. Pacta sunt servanda



ابلاغ غیر مؤثر، جرح داور یا مغایرت رأی با نظم عمومی، می‌تواند از دادگاه محل داورى درخواست ابطال رأی کند؛ چنان‌که در ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی برای داورى‌های داخلی پیش‌بینی شده است. همچنین ماده ۵ کنوانسیون نیویورک^۱ مواردی را برمی‌شمارد که غایب می‌تواند به استناد آنها مانع شناسایی یا اجرای رأی داورى شود؛^۲ با این حال، مفهومی به نام واخواهی نسبت به رأی داورى غیابی متصور نیست (مصدق، ۱۳۹۶: ۳۱۶).

۱. ۲. بی‌طرفی داور

بی‌طرفی داور یکی از ارکان بنیادین دادرسی عادلانه است. ارسطو در کتاب سیاست بیان می‌کند که داور باید فارغ از میل و علاقه شخصی باشد تا بتواند نزاع را به‌درستی حل و فصل کند (ارسطو، ۱۳۸۵: ۱۶۱). بی‌طرفی داور در کنار استقلال وی، از الزامات بنیادین در قوانین داورى کشورها و قواعد نهادهای داورى محسوب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که نقض آن می‌تواند موجب جرح داور و ابطال رأی وی شود. در این زمینه ماده ۸ کنوانسیون ایکسید^۳ و ماده ۱۴ قواعد داورى ایکسید^۴، بندهای ۱ تا ۳ ماده ۱۱ قواعد داورى اتاق بازرگانی بین‌المللی^۵، ماده‌های ۵ و ۲۱ قواعد مرکز داورى لندن^۶ و ماده ۱۱ قواعد داورى آنسیترا^۷، همگی بر ضرورت بی‌طرفی داور، چه در زمان انتصاب و چه در طول رسیدگی، تأکید داشته، بیانیه افشای شرایط مؤثر بر بی‌طرفی را از سوی داور الزامی می‌دانند. ماده ۱۲ قانون داورى تجاری بین‌المللی ایران جانب‌داری را از موارد جرح داور دانسته و افشای شرایط مؤثر بر آن را الزامی کرده است. در قانون آیین دادرسی مدنی نیز ماده ۴۶۹ به‌صورت تلویحی بر حفظ استقلال و بی‌طرفی داوران تأکید دارد.

در ادبیات حقوقی داورى، دو مفهوم «استقلال»^۸ و «بی‌طرفی»^۹ اغلب در کنار یکدیگر به‌کار می‌روند، اما تمایز میان آنها از جنبه مفهومی و عملی ضروری است. استقلال داور به نبود رابطه شخصی، مالی یا نهادی میان داور و یکی از طرفین دعوا اشاره دارد. این رابطه ماهیتی عینی داشته، می‌تواند از طریق شواهد و مستندات بیرونی اثبات شود. در مقابل،

1. Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (New York, 1958)

۲. برای مطالعه بیشتر، نک: لعیا جنیدی (۱۳۸۷). دادگاه صلاحیت‌دار جهت ابطال رأی داور در داورى‌های بین‌المللی. فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۲ (۳۸)، ۶۹-۹۵.

3. ICSID Convention

4. ICSID Arbitration Rules

5. ICC Arbitration Rules

6. LCIA Arbitration Rules

7. UNCITRAL Arbitration Rules

8. Independence

9. Impartiality



بی‌طرفی به فقدان هرگونه پیش‌داوری، تعصب یا سوگیری ذهنی داور نسبت به یکی از طرفین اشاره می‌کند. با آنکه بی‌طرفی ماهیتی ذهنی دارد، اما در نظام‌های حقوقی مختلف، امکان سنجش آن بر مبنای شاخص‌ها و نشانه‌های بیرونی فراهم شده است (یاحد و معبدی، ۱۳۹۴: ۴۰۰). برای نمونه، در پرونده شناگر چینی، سونگ یانگ علیه فینا^۱، یکی از داوران به دلیل اظهارات نژادستیزانه علیه مردم چین و به سبب شائبه فقدان بی‌طرفی، از سوی دادگاه عالی سوئیس از داورى عزل شد و رأی صادره نیز باطل گردید. این تصمیم مبتنی بر این اصل بود که عدالت نه تنها باید اجرا شود، بلکه باید در ظاهر نیز عادلانه جلوه کند.

رویکرد نظام‌های حقوقی مختلف نسبت به سنجش بی‌طرفی متفاوت است. در نظام حقوقی فرانسه، معیار، واقعیت‌های عینی و قابل سنجش است. دادگاه‌های فرانسه برداشت ذهنی طرفین یا گمان عمومی را مبنای تصمیم‌گیری نمی‌دانند، ولی در عین حال، عدم افشای رابطه شخصی یا حرفه‌ای میان داور و یکی از طرفین دعوا، حتی در فقدان اثبات سوگیری واقعی، می‌تواند موجب بطلان رأی داورى شود. این مسئله در نگاه نخست ممکن است متناقض به نظر برسد، ولی در واقع بر مبنای همین دیدگاه عینی قابل توضیح است: ملاک اصلی، وجود ظاهری یک امر مؤثر بر بی‌طرفی است، نه بررسی ذهنیت داور. از این رو، اگر واقعیت‌های خارجی - مانند رابطه شغلی پیشین یا دوستی خانوادگی - بدون افشا باقی بمانند، دادگاه چنین رفتاری را دال بر نقض بی‌طرفی تلقی می‌کند (Malleville & Le Bras, 2023). در نظام کامن‌لا، معیار اصلی برای تشخیص نقض بی‌طرفی، وجود «ترس معقول از جانب‌داری»^۲ است. مطابق این معیار، اگر یک ناظر منصف و آگاه با در نظر گرفتن تمام شرایط پرونده، احتمال دهد که داور ممکن است جانب‌دارانه عمل کند، این وضعیت به منزله نقض بی‌طرفی تلقی می‌شود.^۳ در اینجا نیز اثبات ذهنیت واقعی داور ضروری نیست، بلکه ظاهر امر و برداشت عمومی مبتنی بر عقل سلیم کافی تلقی می‌شود (Redfern & Hunter, 2015: 255). با توجه به این تفاوت‌ها، به نظر می‌رسد تلفیق دو رویکرد - یعنی استفاده از معیار نوعی با در نظر گرفتن ملاحظات شخصی - راهکاری واقع‌بینانه و منصفانه است. قانون نمونه آنسیترا^۴ نیز به این دیدگاه نزدیک است: در آن، بی‌طرفی داور مخدوش تلقی می‌شود، اگر یک فرد متعارف، آگاه به اوضاع دعوا، احتمال

۱. برای اطلاع بیشتر از جزئیات پرونده Sun Yang v. FINA و ابطال رأی داورى از سوی دادگاه عالی فدرال سوئیس به دلیل نقض بی‌طرفی داور، نک: www.swlegal.com/en/insights/arbitration-detail/cas-award-in-sun-yang-case-annulled-for-arbitrator

2. Reasonable Apprehension of Bias

۳. برای کسب اطلاعات بیشتر، نک به پرونده Porter v. Magill [2002] 2 AC 357 (HL) <https://publications.parliament.uk/pa/ld200102/ldjudgmt/jd011213/magill-1.htm>



دهد داور تحت تأثیر عواملی خارج از ادله و مستندات طرفین تصمیم گرفته باشد. در این برداشت، اگرچه مبنای داوری نوعی است، اما ویژگی‌های شخصی داور نیز در سنجش احتمال جانب‌داری مورد توجه قرار می‌گیرد (شمس و بطحائی، ۱۳۹۶: ۶۳).

راهنمای تعارض منافع داوری بین‌المللی IBA^۱ تصریح می‌کند که داور باید از آغاز تا پایان روند داوری بی‌طرف باقی بماند و هرگونه وضعیتی را که ممکن است تردید موجهی نسبت به این بی‌طرفی ایجاد کند، افشا نماید. این اصول که در کدهای اخلاقی داوران و قواعد نهادهای داوری نیز بازتاب یافته است، چارچوبی رسمی برای تضمین رفتار منصفانه فراهم می‌کنند. انتخاب نهادهایی مانند ICC با دستورالعمل‌های خاص اخلاق داوری، امکان نظارت مؤثر بر بی‌طرفی داور و تضمین آن را تا حد زیادی فراهم می‌کند، چراکه نقض تعهدات اخلاقی داور می‌تواند به منزله نقض قرارداد داوری تلقی شود که مهم‌ترین اثر آن، امکان ابطال رأی داوری خواهد بود (کبیرآبادی، ۱۴۰۲: ۵). با این حال، رعایت سازوکارهای نهادی هرچند شرط لازم برای تضمین بی‌طرفی تلقی می‌شود، اما شرط کافی نیست. یافته‌های روان‌شناسی شناختی نشان می‌دهد که داوران مانند دیگر تصمیم‌گیران انسانی، در معرض سوگیری‌های شناختی ناخواسته و ناخودآگاه قرار دارند؛ سوگیری‌هایی که نه تنها ممکن است از چشم نهادهای نظارتی پنهان بمانند، بلکه در بسیاری از موارد حتی خود داور نیز از وجود آنها آگاه نیست (Rachlinski et al., 2007).

۲. سوگیری شناختی و بی‌طرفی در داوری غیابی

۲.۱. نظریه سوگیری شناختی

«سوگیری شناختی»^۲ به الگوهای نظام‌مند انحراف از قضاوت عقلانی اطلاق می‌شود. در واقع، این سوگیری‌ها خطاهای قابل پیش‌بینی در فرایند تفکر انسان‌اند که ریشه در نحوه پردازش اطلاعات در مغز دارند. انسان، به‌ویژه در شرایط عدم قطعیت^۳، غالباً به «میان‌برهای ذهنی»^۴ برای ساده‌سازی تصمیم‌گیری متوسل می‌شود؛ این میان‌برها می‌توانند ادراک و تحلیل را به‌صورت نظام‌مند دچار تحریف کنند. (Gilovich et al., 2002: 3). افراد در مواجهه با مسائل دشوار، اغلب به‌جای تحلیل کامل موضوع، آن را با پرسشی ساده‌تر جایگزین می‌کنند و در مقام پاسخ به آن، تصمیم می‌گیرند. میان‌برهای ذهنی که عمدتاً در بستر نظام تفکر سریع و شهودی (سیستم ۱) فعال می‌شوند، اگرچه فشار ذهنی را کاهش

1. IBA Guidelines on Conflicts of Interest in International Arbitration
2. Cognitive Bias
3. Uncertainty
4. Heuristics



۱۳

آیین دادرسی تطبیقی
Comparative Civil Procedure

تحلیل تطبیقی
روان‌شناختی - حقوقی
از زمینه‌های بروز انواع
سوگیری‌های شناختی
در دادرسی غیابی و
راهکارهای حفظ
بی‌طرفی داور

می‌دهند، اما در بسیاری از موارد به قضاوت‌هایی به دور از واقعیت منجر می‌شوند. در مقابل، نظام تفکر تحلیلی و کندتر (سیستم ۲) که مبتنی بر پردازش آگاهانه و سنجیده است، گاهی توانایی شناسایی و تصحیح این سوگیری‌ها را دارد. با این حال، در برخی شرایط، همین نظام تحلیلی نیز ممکن است به واسطه باورهای پیشین یا چارچوب‌های ذهنی تثبیت‌شده، به تعمیق این خطاها دامن بزند (Kahneman & Frederick, 2002).

در سیاق داور، «ابلاغ نامناسب» و «نقض بی‌طرفی» در ظاهر دو مبنای مستقل برای ابطال رأی داور به‌شمار می‌روند، اما در هر دو، این تصمیم داور است که نقش اساسی دارد و همین تصمیم می‌تواند تحت تأثیر سوگیری‌های شناختی قرار گیرد. به بیان دیگر، چه تصمیم شکلی و چه تصمیم ماهوی، هر دو در معرض تأثیر سوگیری هستند. برای نمونه، در دعوی فریزر سولار علیه پادشاهی لسوتو^۱ که خوانده با استناد به ابلاغ نامناسب، ابطال رأی را درخواست کرده بود، می‌توان گفت که چه‌بسا تصمیم داور مبنی بر صحت ابلاغ و ادامه داور، خود نتیجه سوگیری‌ای بوده که بر تصمیم وی اثر گذاشته است. بنابراین، در این پژوهش، منظور از سوگیری در تصمیمات شکلی، اثرگذاری سوگیری‌های شناختی بر تصمیماتی چون ابلاغ و تعیین مواعد رسیدگی است؛ تصمیماتی که اگرچه شکلی هستند، اما می‌توانند زمینه‌ساز نقض بی‌طرفی و تأثیر بر نتیجه دعوا شوند.

۲.۲. زمینه‌های بروز سوگیری شناختی در داور غیابی

فرایند تصمیم‌گیری داور، مانند هر انسان دیگری، حاصل تعامل میان دو نظام شهودی و تحلیلی ذهن است؛ تعاملی که می‌تواند زمینه‌ساز تشدید یا تعدیل سوگیری‌ها در تصمیم‌گیری باشد و در نتیجه، بر بی‌طرفی تأثیر گذارد (قماشی و اختری زواره، ۱۴۰۱: ۲۱۰). در همین چارچوب، جنبش واقع‌گرایی حقوق، در مقابل صورت‌گرایی حقوق، تأکید می‌کند که قاضی (یا داور) در فرایند قضاوت، صرفاً به قواعد حقوقی متکی نیست، بلکه تحت تأثیر عوامل روان‌شناختی مانند سوگیری‌های ذهنی قرار دارد و این تأثیرات اجتناب‌ناپذیر و بخشی از واقعیت داور است: (Hart, 1994: 43).

سوگیری‌های شناختی می‌توانند در هر موقعیتی، متناسب با شرایط خاص آن، شکل گیرند. این سوگیری‌ها منحصر به داور غیابی نبوده، حتی در حضور طرفین نیز ممکن است در فرایند تصمیم‌گیری داور رخ دهد. با این حال، داور غیابی واجد شرایطی متفاوت با داور حضوری است؛ شرایطی که می‌تواند زمینه‌ساز ظهور یا تشدید برخی از

۱. برای اطلاع بیشتر از جزئیات پرونده Frazer Solar GmbH v. The Kingdom of Lesotho، نک: www.italaw.com/cases/10174



سوگیری‌ها شود. بنابراین، می‌توان میان غیبت خواننده و افزایش احتمال بروز و شدت این سوگیری‌ها رابطه‌ای همبسته یافت.

بخشی از زمینه‌های سوگیری، به ساحت فردی داور مربوط می‌شود؛ «زمینه‌های فردی»^۱ ناظر بر ویژگی‌های شخصیتی، تجربی و شناختی داور هستند که در تمامی انواع داور، از جمله داور غیابی، ممکن است نقش آفرین باشند؛ عواملی نظیر سوابق حرفه‌ای، تجربه‌های زیسته، باورها و ترجیحات شخصی که می‌توانند تصمیم‌گیری داور را به تأثیرپذیری از سوگیری‌های شناختی دچار اشتباه کند (Berryessa et al., 2022: 50). در کنار عوامل فردی، داور غیابی نیز واجد ویژگی‌های نهادی خاصی است که خود می‌تواند به‌تنهایی یا در تعامل با ویژگی‌های فردی، زمینه‌ساز فعال شدن و یا تقویت سوگیری‌های شناختی شود. «زمینه‌های نهادی»^۲ ناظر بر ساختار و رویه‌هایی بوده که بر داور غیابی حاکم هستند، مانند نحوه تشکیل هیئت داور، روش پرداخت هزینه‌ها و شیوه ارزیابی ادله در غیاب یکی از طرفین. از این رو، تحلیل پدیده سوگیری در داور غیابی مستلزم تفکیک میان عوامل فردی و زمینه‌های نهادی است. این مهم تنها با روشن‌سازی تفاوت‌های میان داور غیابی و داور با حضور هر دو طرف و سپس تحلیل تأثیر این تفاوت‌ها در شکل‌گیری تمایلات ذهنی داور ممکن خواهد بود. در این راستا، دو جنبه اصلی به‌عنوان نقاط افتراق میان این دو نوع داور قابل شناسایی است: نخست، تأثیر غیبت خواننده بر آغاز داور، به‌ویژه در فرایند انتخاب داور و وصول هزینه داور؛ دوم، تأثیر این غیبت در مرحله ارائه مستندات و ارزیابی آنهاست.

در داور غیابی، یکی از مهم‌ترین نقاط تقاطع میان ساختار نهادی و بروز سوگیری شناختی، نحوه تعیین داور است. در صورت توافق بر داور تک‌نفره^۳، اگر قرار بر تعیین داور به‌صورت مرضی‌الطرفین باشد، با غیبت خواننده، اصولاً داور آغاز نمی‌شود. اما اگر انتخاب داور از طریق مرجع مورد توافق، مانند ICC پیش‌بینی شده باشد، امکان انتصاب داور بدون مشارکت خواننده وجود دارد و تأثیر امتناع او به مواردی که در ادامه خواهد آمد، محدود می‌شود. در داورهای سه‌نفره نیز با امتناع خواننده از تعیین داور، مرجع مورد توافق و یا دادگاه صالح^۴، جایگزین او شده، انتخاب داوران بدون انتخاب وی تکمیل می‌گردد. این رویه در اسناد و مقررات داور نیز منعکس شده است. به‌موجب ماده ۱۲

1. Individual-level factors

2. Institutional factors

3. Sole Arbitrator

۴. ناظر به ماده ۴۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی که در داورهای داخلی، چنین راه‌حلی را پیش‌بینی کرده است.



قواعد ICC، چنانچه یکی از طرفین از معرفی داور امتناع کند، دیوان دادرسی ICC مستقیماً داور را منصوب می‌کند. همچنین طبق ماده ۹ قواعد آنسیترال، در صورت سکوت خوانده ظرف ۳۰ روز، مرجع انتصابی تعیین شده یا در نبود آن، دبیرکل دیوان دادرسی اقدام به انتصاب داور می‌کند. قانون دادرسی تجاری بین‌المللی در کشورهای نظیر ایران و فرانسه نیز که تا حد زیادی از قانون نمونه آنسیترال پیروی کرده‌اند، رویکرد مشابهی در مواجهه با امتناع خوانده از معرفی داور داشته است (شهلا و بشارتی، ۱۳۹۸: ۴۳-۴۴). انتخاب داور از سوی هر طرف، با رعایت بی‌طرفی و استقلال داور نسبت به طرف ناصب، این امکان را فراهم می‌آورد که فردی آشنا با نظام حقوقی و فرهنگی هر طرف، استدلال‌های او را بهتر درک و در هیئت دادرسی منعکس کند. هرچند که داور منصوب، نقش وکیل ناصب را ندارد، اما این انتخاب بخشی از توازن ساختاری در فرایند دادرسی است. افزون بر این، مداخله مرجع مورد توافق برای تشکیل دادرسی، تنها پس از انقضای مهلت مقرر ممکن است. در نتیجه، حتی بدون تعلل اضافی، فرایند تشکیل هیئت در طولانی‌ترین بازه زمانی مجاز انجام می‌شود و به این ترتیب، روند رسیدگی ماهوی به دعوا در دیرترین زمان ممکن آغاز می‌گردد.^۱

تفاوت دیگر در مرحله تشکیل دادرسی، به نحوه وصول هزینه‌های دادرسی بازمی‌گردد؛ موضوعی که می‌تواند بستری برای ایجاد سوگیری تلقی شود. در مواردی که خوانده از مشارکت در دادرسی خودداری می‌کند، تمام هزینه دادرسی - که در حالت عادی میان طرفین تقسیم می‌شود - باید از جانب خواهان پرداخت شود تا رسیدگی آغاز گردد. این هزینه‌ها شامل حق الزحمه داوران، هزینه‌های اداری، هزینه‌های کارشناسان مستقل و سایر مخارج مرتبط با دادرسی است (Salomon & Loibl, 2020: 1-3). بنابراین در صورت امتناع خوانده از پرداخت سهم خود از هزینه‌های دادرسی، خواهان باید تمام مبلغ را پرداخت کند تا دادرسی آغاز شود و تنها در صورتی که رأی نهایی به نفع خواهان صادر شد، او می‌تواند درخواست بازپایی هزینه‌ها را به موجب رأی (نهایی) از خوانده داشته باشد. در نتیجه، پرداخت یک‌جانبه هزینه‌های اولیه از سوی خواهان، به‌ویژه در مواردی که وی با محدودیت منابع مالی مواجه است، می‌تواند این تصور را ایجاد کند که در عمل، خواهان در موقعیتی ناعادلانه‌تر نسبت به زمانی قرار دارد که هر دو طرف، فعالانه مشارکت دارند. تفاوت اساسی دیگر میان دادرسی غیابی و دادرسی متعارف، به نحوه ارائه مستندات بازمی‌گردد. در دادرسی‌هایی که هر دو طرف حضور فعال دارند، تعامل رفت و برگشتی در

۱. برای مطالعه بیشتر در باب این موضوع، رک. آیین‌نامه دادرسی مؤسسه ایران دادرسی، مواد ۱۰ تا ۱۳ و تبصره‌های مربوط به انتخاب داور و هیئت دادرسی.



ارائه اسناد، لوایح و پاسخ‌ها به داور امکان می‌دهد تا با سنجش متقابل استدلال‌ها، به ارزیابی دقیق‌تری از واقعیات و مواضع موضوعی و حقوقی طرفین نائل شود. این روش متقارن، اقتضای اصل برابری طرفین در فرایند رسیدگی و حق هر فرد برای ارائه دیدگاه خود نزد مرجعی بی‌طرف را که در بند ۱ از ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱ مورد تأکید قرار گرفته است، محقق می‌سازد. با غیبت خوانده، این تعادل به شکلی که بیان گردید منتفی شده، داور در موقعیتی قرار می‌گیرد که صرفاً بر مبنای داده‌های ارائه‌شده از سوی خواهان اتخاذ تصمیم کند. این وضعیت به‌طور آرزومندانه‌ای به خواهان اجازه می‌دهد تا تنها روایت خود را مطرح نماید؛ شرایطی که به‌روشنی می‌تواند مصداق ضرب‌المثل «یک‌طرفه به قاضی رفتن» باشد. اگرچه خوانده با غیبت خود بیشترین تأثیر را در ایجاد این وضعیت داشته و قصور او نباید به‌عنوان ابزاری برای بهره‌برداری حقوقی به نفع وی تلقی شود، اما بر اساس اصول و قواعد داور که به‌وسیله توافق میان طرفین اعتبار یافته، داور موظف است تمامی جوانب پرونده را با دقت بررسی کرده، غیبت خوانده را مترادف با پذیرش ادعای خواهان در نظر نگیرد. ماده‌های ۲۷ و ۲۸ قانون نمونه آنسیتال، ماده ۳۰ قواعد داور آنسیتال، ماده ۲۲ قواعد داورى اتاق بازرگانی بین‌المللی و بخش ۱۲ از آیین دادرسی مدنی انگلستان، بر این نکته تأکید دارند که داور، حتی در غیاب خوانده، موظف به بررسی شواهد و مستندات خواهان است و نمی‌تواند صرفاً بر مبنای غیبت، ادعای خواهان را بدون ارزیابی بپذیرد. در این راستا، داور باید تمام ادله و شواهدی را که از سوی خواهان ارائه می‌شود، از حیث اعتبار بررسی کند.

۲.۳. انواع سوگیری‌های شناختی در داورى غیابی

پس از تحلیل زمینه‌های نهادی مؤثر در بروز سوگیری، این بخش به شناسایی و تعریف سوگیری‌های شناختی در بستر داورى غیابی اختصاص دارد. مطالعات روان‌شناسی شناختی تاکنون بیش از ۱۰۰ نوع مختلف از سوگیری‌ها را شناسایی کرده‌اند.^۲ با اتکا به این بدنه نظری، در این مقاله مجموعه‌ای از سوگیری‌هایی گزینش شده است که از منظر روان‌شناختی، بیشترین ارتباط را با شرایط داورى غیابی دارند. از میان انواع مختلف،

۱. Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms

۲. برای گردآوری و مرور نظام‌مند انواع سوگیری‌های شناختی، از منابع تخصصی و معتبر بهره گرفته شده است. وب‌سایت علمی The Decision Lab فهرستی جامع از سوگیری‌های شناختی و راهبردهای ذهن را با تکیه بر ادبیات روان‌شناسی تجربی ارائه داده است. همچنین، مجموعه پژوهشی Growth.Design با تمرکز بر طراحی تجربه کاربری، بیش از ۱۰۰ سوگیری شناختی را که بر تصمیم‌گیری انسان تأثیر می‌گذارند، در قالبی کاربردی گردآوری کرده است.

ده مورد که محتمل ترین مسیر بروز آنها از ویژگی های نهادی خاص داوری غیابی ناشی می شود، برای تحلیل انتخاب شده اند.

برخی از سوگیری ها ناشی از غیبت خواننده در مرحله تشکیل داوری است؛ وضعیتی که می تواند زمینه ساز شکل گیری ذهنیتی اولیه در داور و جهت گیری های ناخودآگاه در ارزیابی او شود. از جمله این سوگیری ها می توان به «سوگیری منفی نگری»^۱، «سوگیری همکاری»^۲، «سوگیری ناشی از بار ذهنی»^۳ و «سوگیری درون گروهی»^۴ اشاره کرد. در مقابل، دسته ای دیگر از سوگیری ها در مرحله رسیدگی به ماهیت دعوا شکل می گیرند؛ جایی که غیبت خواننده و فقدان دفاعیات یا مستندات از سوی او، فرایند ارزیابی داور را یک سوویه و مستعد برداشت های سوگیرانه می کند. «سوگیری تأییدی»^۵، «سوگیری لنگر»^۶، «سوگیری دردسترس بودن»^۷، «اثر تازگی»^۸، «پیش داوری نادرست»^۹ و «اثر چارچوب بندی»^{۱۰} از جمله این موارد هستند. بنابراین، سوگیری های شناختی در این پژوهش، در دو دسته بررسی می شوند: دسته نخست، شامل سوگیری هایی است که در نتیجه غیبت خواننده در مرحله آغازین داوری، یعنی تشکیل هیئت داوری، پرداخت هزینه ها یا تأخیر در آغاز رسیدگی ایجاد می شود و ممکن است بر شکل گیری ذهنیت داور و جهت گیری اولیه او اثر بگذارد. دسته دوم، به سوگیری هایی مربوط است که از غیبت خواننده در مرحله ماهوی و فقدان مستندات یا دفاعیات ناشی می شود و می تواند بر تصمیم نهایی داور تأثیرگذار باشد.

۱۷



آیین دادرسی مدنی تطبیقی
Comparative Civil Procedure

تحلیل تطبیقی
روان شناختی - حقوقی
از زمینه های بروز انواع
سوگیری های شناختی
در داوری غیابی و
راهکارهای حفظ
بی طرفی داور

۲.۳.۱. سوگیری های شناختی ناشی از غیبت در تشکیل داوری

۲.۳.۱.۱. سوگیری منفی نگری

نخستین سوگیری، سوگیری منفی نگری است که بیان می دارد ذهن انسان به طور طبیعی نسبت به محرک های منفی حساس تر است (Corns, ۲۰۱۸: ۶۰۸). سوگیری منفی نگری به تمایل ذاتی انسان ها برای توجه بیشتر به تجربیات و وقایع منفی نسبت به تجربیات و وقایع مثبت اشاره دارد؛ به گونه ای که اطلاعات منفی در مقایسه با اطلاعات مثبت، بیشتر مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر، این سوگیری نشان می دهد که انسان محرک ها یا

1. Negativity Bias
2. Cooperation Bias or Liking Bias
3. Cognitive Load Bias
4. In-group Bias
5. Confirmation Bias
6. Anchoring Bias
7. Availability Heuristic
8. Recency Effect
9. Prior Belief Bias or Incorrect Priors
10. Framing Effect



وقایع منفی را با اهمیت بیشتری نسبت به وقایع مثبت ارزیابی می‌کند. سوگیری منفی‌نگری به‌ویژه در موقعیت‌های قضاوتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه ممکن است داور به‌طور ناخودآگاه و بدون درک کامل از واقعه، به اطلاعات منفی اولویت داده، تنها بر اساس آنها تصمیم‌گیری کند. یکی از ویژگی‌های برجسته سوگیری منفی‌نگری سرایت‌پذیری^۱ است. این ویژگی به معنای تمایل به انتقال اطلاعات یا تجربیات منفی از یک فرد یا موقعیت به فرد یا موقعیت دیگر است. در این چارچوب، سوگیری منفی‌نگری نه تنها موجب تمرکز بیش از حد بر جنبه‌های منفی یک موضوع می‌شود، بلکه این جنبه‌های منفی ممکن است به‌طور ناخودآگاه بر ارزیابی‌های سایر جنبه‌های پرونده نیز تأثیر گذارد (Rozin & Royzman, 2001: 315). وقتی خواننده با غیبت خود، به‌گونه‌ای که به تعهد اولیه مبنی بر حل اختلاف از طریق داوری بی‌اعتنایی می‌کند، رفتاری منفی را به داور یا داوران نشان می‌دهد. این رفتار می‌تواند بر نگرش و تصمیم‌گیری داور در ادامه تأثیر گذاشته، حتی به سایر اطلاعات و شواهد پرونده منتقل شود. این سرایت‌پذیری می‌تواند موجب شود که داور نتواند تمامی جنبه‌های پرونده را بی‌طرفانه بررسی کند.

۲.۳.۱. سوگیری همکاری/دوستی

سوگیری همکاری/دوستی از نوع دیگر سوگیری‌ها است که می‌تواند در تصمیمات داور اثرگذار باشد. سوگیری همکاری/دوستی به تمایل انسان‌ها برای ترجیح دادن و توجه بیشتر به افرادی اطلاق می‌شود که ویژگی‌های مثبت از خود نشان می‌دهند. این سوگیری به تمایل افراد برای ترجیح دادن کسانی اطلاق می‌شود که در تعاملات اجتماعی یا حرفه‌ای با آنها همکاری داشته و روابط مثبت یا دوستانه‌ای با آنها برقرار کرده‌اند. این سوگیری متمرکز است بر روابط اجتماعی و نحوه تعامل فرد با دیگران و می‌تواند باعث شود که فرد به کسانی که با آنها همکاری کرده است، اعتماد بیشتری نشان دهد و تصمیمات خود را بر اساس این روابط اتخاذ کند. به‌طور خلاصه، سوگیری همکاری/دوستی بر همکاری‌های اجتماعی و حرفه‌ای تأکید دارد، در این حالت ممکن است، افراد در تصمیم‌گیری‌های خود، تحت تأثیر این سوگیری قرار گرفته، بطور جانب‌دارانه تصمیم بگیرند (Berscheid & Walster, 1978). از آنجا که افراد تمایل دارند به کسانی که با آنها همکاری یا با احترام رفتار می‌کنند بیشتر اعتماد نمایند، در داوری غیابی، نقش فعال خواهان در طرح دعوا، پرداخت هزینه‌های داوری و پیگیری مستمر روند رسیدگی می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد نوعی پیش‌زمینه مثبت در ذهن داور نسبت به وی شود. چنین رفتاری، به‌ویژه وقتی

1. Contagion

خواننده از مشارکت خودداری می‌کند، ممکن است به سوگیری همکاری در داور منجر گردد؛ یعنی تمایل داور به همراهی ذهنی با طرفی که بیشترین تلاش، حضور و هزینه را در فرایند داوری داشته است، افزایش می‌یابد (Xu et al., 2020: 71).

۲.۳.۱. سوگیری درون‌گروهی

سوگیری درون‌گروهی یکی دیگر از سوگیری‌های شناختی است که در روان‌شناسی اجتماعی مطرح می‌شود و به تمایل ناخودآگاه افراد به ترجیح و ارزیابی مثبت‌تر اعضای گروهی که خودشان در آن عضویت دارند در مقایسه با افراد خارج از آن گروه اشاره دارد. این سوگیری می‌تواند به شکل‌های مختلف پدیدار شود؛ از جمله همدلی بیشتر، درک آسان‌تر گفته‌ها، توجیه خطاها و تمایل به تصمیم‌گیری در راستای منافع آنها. این تمایل ریشه در «نظریه هویت اجتماعی»^۱ دارد. بر اساس این نظریه، انسان‌ها بخشی از هویت خود را از عضویت در گروه‌های اجتماعی می‌گیرند و برای حفظ عزت نفس جمعی، ناخودآگاه تمایل دارند گروه خودی را شایسته‌تر و یا محق‌تر تلقی کنند (Oeberst & Imhoff, 2025: 10). در فرایند داوری غیابی، شرایط خاصی شکل می‌گیرد که می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری سوگیری درون‌گروهی باشد. از آنجا که در تشکیل داوری و جلسات رسیدگی تنها خواهان و نمایندگان وی حاضر هستند و خواننده نقشی در فرایند تعاملی جلسه ندارد، به‌صورت ناخودآگاه امکان شکل‌گیری نوعی «درون‌گروه» بین داور (یا هیئت داوری) و طرف حاضر در جلسه (یعنی خواهان) به‌وجود می‌آید. این پدیده می‌تواند باعث شود تا داور به شکل ناآگاهانه، در تحلیل دلایل و یا حتی لحن خواهان و خواسته وی، احساس نزدیکی بیشتری کند؛ چراکه او را بخشی از فرایند ارتباطی و استماعی می‌بیند، درحالی که خواننده به‌عنوان یک «دیگری»، عملاً از این تعامل انسانی با اقدام خودش حذف شده است. در چنین وضعیتی، احتمال جانب‌داری به پذیرش دیدگاه خواهان از سوی داور افزایش می‌یابد.

۲.۳.۲. سوگیری‌های شناختی ناشی از عدم ارائه دلیل

۲.۳.۲.۱. سوگیری در دسترس بودن

«سوگیری در دسترس بودن» زمانی رخ می‌دهد که تصمیم‌گیرنده به‌جای ارزیابی جامع و نقادانه، به اطلاعاتی تکیه می‌کند که آسان‌تر در ذهن فراخوانی می‌شوند و یا در لحظه در دسترس هستند؛ بدون توجه به میزان کامل بودن یا صحت آنها (Kahneman, 2011: 129-131).

1. Henri Tajfel and John Turner



فرض کنید در یک دعوای مالی، خواهان سندی را ارائه داده که نشان می‌دهد خواننده متعهد به پرداخت مبلغی است. در غیاب هرگونه دفاع یا توضیح از سوی خواننده، داور ممکن است همین سند محدود را به عنوان بازتاب کامل رابطه حقوقی میان طرفین در نظر بگیرد، بدون آنکه احتمال وجود شروط یا نحوه پرداخت را بررسی کند. در این وضعیت، ذهن داور به جای پرسشگری، به داده‌های در دسترس تکیه کرده و ناخودآگاه فرض می‌گیرد آنچه در دسترس است، همان چیزی است که «باید» باشد. این اتکای ناآگاهانه به داده‌های سهل‌الوصول، بدون سنجش کافی احتمالات دیگر، توضیحی از سوگیری دردسترس بودن در داوری غیابی است که می‌تواند ساختار تصمیم‌گیری را به سمت استنتاج‌های ناقص و غیرواقعی سوق دهد.

۲.۲.۳. سوگیری تأییدی

در داوری غیابی، نبود دفاعیات خواننده زمینه‌ای را فراهم می‌آورد که «سوگیری تأییدی» ایجاد شده، یا با شدت بیشتری عمل کند. این سوگیری زمانی رخ می‌دهد که فرد (از جمله داور) گرایش می‌یابد تنها شواهدی را بپذیرد که با باورها یا برداشت اولیه‌ی همخوانی داشته باشد و در مقابل از بررسی یا جستجوی اطلاعات متضاد چشم‌پوشی کند (Nickerson, 1998: 177). در چنین وضعیتی ذهن داور ممکن است به طور ناآگاهانه روایت خواهان را نه به عنوان یک ادعا، بلکه به مثابه یک چارچوب کامل و معتبر بپذیرد. این پذیرش می‌تواند مسیر رسیدگی را به سمت تأیید روایت یک طرفه سوق دهد، به گونه‌ای که داور نه به دنبال راستی آزمایی بی‌طرفانه، بلکه در عمل به دنبال تکمیل گزاره خواهان و تقویت ادعای او گام بردارد. چنین سازوکاری می‌تواند به انحراف روند بی‌طرفانه داوری منجر شود.

۲.۲.۳. سوگیری لنگر

«سوگیری لنگر» نیز در این شرایط می‌تواند نمود پیدا کند، چراکه ذهن انسان زمانی که با اطلاعات اولیه مواجه می‌شود - خواه عدد، روایت یا تفسیر - تمایل دارد آنها را به عنوان نقطه مرجع تثبیت کند و ارزیابی‌های بعدی را حول آن تنظیم نماید (Tversky & Kahneman, 1974: 1126). در داوری غیابی تنها اطلاعاتی که داور دریافت می‌کند، شامل خواسته‌ها، روایت رخدادها و میزان ادعایی خسارت، تنها از سوی خواهان است؛ داده‌هایی که نه تنها آغازگر فرایند ذهنی داور، بلکه یگانه مرجع ذهنی داور باقی می‌مانند. برای نمونه، اگر خواهان پس از اثبات مسئولیت خواننده، ادعای مبلغ مشخصی



برای جبران خسارت طرح کند و هیچ معیار کاهنده یا تحلیلی از سوی خواننده در میان نباشد، همان رقم ابتدایی می‌تواند به لنگری تبدیل شود که داور ناخودآگاه سایر برآوردها را با آن هم‌راستا کند، حتی اگر در واقعیت، ارقام ادعایی به میزان قابل توجهی، مناقشه‌برانگیز باشد.

۲.۳.۴. سوگیری پیش‌داوری، اثر تازگی و اثر چارچوب‌بندی

علاوه بر محتوای ارائه‌شده از سوی خواهان، ذهن داور ممکن است تحت تأثیر نحوه، ترتیب و زمان‌بندی ارائه اطلاعات نیز قرار گیرد. در چنین شرایطی، «سوگیری پیش‌داوری» می‌تواند به راحتی شکل بگیرد؛ سوگیری‌ای که به موجب آن، داور پیش از بررسی جامع پرونده، ممکن است در اثر غیبت خواننده، به‌طور ناخودآگاه به شکل‌گیری پیش‌فرض ذهنی درباره نیت یا رفتار احتمالی از غیبت وی دچار شود (Tversky & Kahneman, 1981: 455). همچنین، «اثر تازگی» که ذهن را به سمت وزن‌دهی بیش از اندازه به اطلاعات اخیر سوق می‌دهد، در پایان‌بندی فرایند داوری غیابی نقش آفرینی می‌کند. به علاوه، «اثر چارچوب‌بندی» نیز به این معناست که نحوه ارائه یا بیان یک مسئله می‌تواند بر تصمیم‌گیری افراد تأثیر بگذارد، حتی اگر محتوای اطلاعات تغییری نکند. از آنجا که خواهان، به عنوان تنها بازیگر فعال، معمولاً در مراحل نهایی نیز داده‌هایی همچون گزارش کارشناسی، استدلال نهایی یا جمع‌بندی حقوقی ارائه می‌دهد، این داده‌های پایانی به صورت ناخودآگاه در ذهن داور تازگی داشته، برجسته می‌شوند (Dovidio & Gaertner, 2004 : 3).

۲۱



آیین دادرسی تطبیقی
Comparative Civil Procedure

تحلیل تطبیقی

روان‌شناختی - حقوقی

از زمینه‌های بروز انواع

سوگیری‌های شناختی

در داوری غیابی و

راهکارهای حفظ

بی‌طرفی داور

۳. راهکارهای نهادی مهار سوگیری شناختی

در اغلب پژوهش‌های پیشین، راهکارهای کاهش سوگیری در قضاوت (یا داوری) عمدتاً متمرکز بر ارتقای عملکرد فردی داور از طریق آموزش و یادآوری بوده است. در این پژوهش، تلاش می‌شود متناسب با زمینه‌های نهادی خاص داوری غیابی، راهکارهایی طراحی شود که هدف آنها حذف یا کاهش تأثیر سوگیری‌های شناختی باشد. پیشنهادها بر مبنای ظرفیت‌های نهادی داوری و با در نظر گرفتن ویژگی‌های ساختاری آن ارائه می‌شود. در این بخش از پژوهش، برای ارائه راهکارهای طبقه‌بندی‌شده، تصمیمات داور به دو دسته شکلی و ماهوی تفکیک شده است. سپس راهکارهای مربوط به تصمیمات ماهوی به دو بُعد موضوعی (ناظر به ارزیابی شواهد و قراین) و حکمی (ناظر به تفسیر قواعد و اعمال آنها) تقسیم شده، تا متناسب با ویژگی‌های هر تصمیم، تدابیر واقع‌بینانه‌ای برای کاهش یا کنترل هر سوگیری ارائه گردد.



۳. ۱. راهکارهای کاهش سوگیری شناختی در تصمیمات شکلی

در داوری غیابی، عدم ابلاغ مؤثر می‌تواند به راحتی از سوی خواننده مورد استناد قرار گیرد و زمینه ابطال رأی داور را فراهم سازد. در غیاب خواننده، داور با شرایط خاصی مواجه می‌شود که ناشی از تأخیر در روند رسیدگی و تعامل یک‌سویه با خواهان است؛ شرایطی که می‌تواند احتمال شکل گرفتن سوگیری و در پی آن، بی‌توجهی به الزامات و دستورالعمل‌های شکلی لازم در فرایند تصمیم‌گیری را افزایش دهد. به همین دلیل، مسئولیت داور در حفظ وظیفه خود در خصوص ابلاغ مؤثر و رعایت مواعد، مضاعف است. برای کاهش احتمال سوگیری در جهت ساده‌سازی فرایند ابلاغ، نخستین گام، آگاهی داور نسبت به وجود سوگیری‌های شناختی است، زیرا آگاهی از سوگیری‌های شناختی با متوقف ساختن واکنش‌های خودکار ذهنی، زمینه را برای تحلیلی دقیق‌تر آماده می‌سازد. به کارگیری راهکارهایی مانند تعلیق موقت قضاوت تا زمان روشن شدن ابعاد گوناگون مسئله، از جمله روش‌های مؤثر در کاهش این نوع سوگیری‌ها به شمار می‌رود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۱: ۲۷). برای نمونه، در پرونده *Rebah Construction CC v Renkie Building Construction CC*^۱، که داور به دلیل عدم اختصاص زمان کافی به خواننده برای ارائه دفاعیه، رأیی صادر کرد که دیوان عالی افریقای جنوبی آن را به علت نقض رعایت حق دفاع ابطال نمود، به خوبی نشان می‌دهد که اگر داور در ابلاغ رأی خود کمی صبر کرده و فرصت کافی داده بود، رأی نهایی ابطال نمی‌شد. برای جلوگیری از ابطال رأی به این دلیل، باید تدابیر دقیقی در رویه عملی اتخاذ شده، از تمام ظرفیت‌های داوری استفاده شود. بنابراین، ضروری است که تمامی اقدامات مربوط به ابلاغ مؤثر، مستند و ثبت شود. مستندسازی باید شامل زمان، روش و نحوه ابلاغ باشد. همچنین، داور باید از روش‌های متعدد مانند ارسال پست، ایمیل و استفاده از سازوکارهای رسمی به همراه اخذ تأییدیه وصول تمام ابلاغ‌ها در تمام مراحل رسیدگی بهره‌گیرد، تا اطمینان حاصل کند که طرف غایب از تشکیل و روند داوری اطلاع پیدا کرده است. توجه داور در رعایت قواعد شکلی حاکم بر داوری و استفاده از حداکثر زمان قابل استفاده برای هر تصمیم، نقشی اساسی در کاهش سوگیری‌های شناختی در تصمیمات آیینی داور ایفا می‌کند. یکی از راهکارهای مؤثر برای کاهش سوگیری‌های شناختی در تصمیم‌گیری، استفاده از چک‌لیست‌های ساختاریافته است. چک‌لیست‌ها با ارائه فهرستی کامل و گام‌به‌گام از مراحل و الزامات برای اتخاذ هر تصمیم، از ساده‌سازی و حذف ناخواسته مراحل مهم جلوگیری کرده تا داور تمامی نکات مهم را به دقت مورد توجه قرار

۱. برای اطلاع بیشتر در خصوص پرونده *Rebah Construction CC v Renkie Building Construction CC*

نک: <https://www.saflii.org/za/cases/ZAGPHC/2008/34.html>

دهد (Gawande, 2009: 32). به این ترتیب، رعایت کامل و منظم قواعد حاکم بر داور، به‌ویژه در مورد فرایندهای ابلاغ، مستندسازی و حفظ مواعد، می‌تواند عملکردی مشابه چک‌لیست داشته باشد. استفاده از چنین ظرفیتی، به‌طور ذاتی زمینه را برای فعال شدن سنجیده‌تر فرایندهای تصمیم‌گیری فراهم می‌سازد و موجب می‌شود که سیستم تحلیل و کند ذهن بتواند به‌طور طبیعی و بدون مداخله بیرونی، خطاهای ناشی از واکنش‌های سریع و شهودی را اصلاح کند.

۲.۳. راهکارهای کاهش آثار سوگیری شناختی در تصمیمات ماهوی

۳.۲.۱. استفاده از کارشناس برای کاهش آثار سوگیری در اسباب موضوعی پرونده

استفاده از دیدگاه‌های کارشناسی در صورت بهره‌گیری صحیح، ابزار مؤثری در کاهش سوگیری‌های شناختی خواهد بود. کارشناسان با اتکا به دانش تخصصی، تجربه و تحلیل چندسویه داده‌ها، می‌توانند بروز خطاهایی مانند سوگیری تأییدی، اثر لنگر و چارچوب‌بندی را کاهش داده، فرایند تصمیم‌گیری را به‌سوی ارزیابی دقیق‌تر و منصفانه‌تر هدایت کنند. آگاهی از عملکرد هریک از سوگیری‌ها و دریافت بازخوردهای کارشناسی از سوی داوران می‌تواند به اصلاح خطاهای ذهنی کمک کند (Bourgeois & Bonnefon, 2021: 7). در غیاب خواننده، داور ممکن است به‌طور ناخودآگاه در تصمیم‌گیری تمایل کمتری به جستجوی ادله تکمیلی داشته باشد.

کارشناسان به‌واسطه تخصص، تجربه و مهارت‌های تحلیلی خود، توانایی بیشتری در پردازش دقیق داده‌ها، تفکیک اطلاعات مرتبط از غیرمرتبط و سنجش بی‌طرفانه شواهد دارند. همچنین، ساختار ذهنی آنها برای شناسایی الگوهای معنادار در برابر میان‌برهای شناختی مقاوم‌تر است و احتمال شکل‌گیری خطای ذهنی را کاهش می‌دهد (Guthrie et al., 2001: 175). در داورهای غیابی به‌عنوان راهکاری پیشنهادی، می‌توان از کارشناس مستقل برای سنجش ادله خواهان بهره‌گرفت؛ کارشناسانی که با صلاح‌دید داور منصوب می‌شوند، باید از ابتدای فرایند داور درگیر شوند تا با مداخله تخصصی خود از شکل‌گیری لنگر ذهنی و ایجاد اثر چارچوب جلوگیری کنند. البته مشروعیت مداخله کارشناسی زمانی تقویت می‌شود که جایگاه وی به‌صراحت از بازیگران ترافیعی (مانند وکلای طرفین) متمایز شده، حدود مداخلات و اختیاراتش به‌صورت شفاف تعیین گردد. استفاده از ظرفیت کارشناس مستقل از سوی داور، یکی از راهکارهای مؤثر برای اتخاذ تصمیمی عاری از سوگیری از جانب داور است؛ نقشی که صرفاً کمکی نیست، بلکه بخشی از یک طراحی ساختاریافته برای تضمین بی‌طرفی سیستماتیک و پیشگیری از سوگیری‌های شناختی محسوب می‌شود.





این راهکار که به عنوان ابزاری برای جلوگیری یا کاستن از سوگیری‌های شناختی مطرح شد، در قوانین داورى کشورها و قواعد نهادهای داورى پیش‌بینی شده است. برای نمونه، ماده ۲۵ قانون داورى تجارى بین‌المللى ایران، مواد ۲۶ و ۲۷ قواعد داورى آنستیرال، ماده ۲۵ قواعد داورى ICC، مواد ۴۳ و ۱۴ قواعد داورى ایکسید و ماده ۳۷ قانون داورى انگلستان، همگی به داور اختیار می‌دهند تا کارشناس یا کارشناسان مستقلی را منصوب کرده، گزارش تخصصی آنان را دریافت دارد و حتى حضور آنها در جلسات را الزامی کند.

۳.۲.۲. استفاده از هیئت داورى برای کاهش آثار سوگیری در تصمیمات حکمی پرونده

روان‌شناسی گروهی، زیرشاخه‌ای از روان‌شناسی اجتماعى است که به بررسی رفتار، هیجان و شناخت افراد در بستر گروه می‌پردازد؛ از جمله نحوه شکل‌گیری تصمیم‌های جمعی و تأثیر متقابل اعضا. این حوزه با نظریه «تصمیم‌گیری کند و سریع» مرتبط است و نشان می‌دهد که حضور در گروه می‌تواند با کاهش تکیه بر شهود، به تصمیم‌گیری تحلیلی کمک کند. گروه‌ها با مهار سوگیری‌های شناختی و تقویت تفکر منطقی، عملکرد بهتری در موقعیت‌های پیچیده دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد تصمیم‌گیری جمعی، به‌ویژه در شرایط عدم قطعیت، دقت ارزیابی‌ها را افزایش داده، سوگیری‌ها را کاهش می‌دهد (Barry, 2023: 14). با وجود برخی نگرانی‌ها درباره سوگیری گروهی، پژوهش‌ها حاکی از آن است که داورى جمعی می‌تواند اعتبار و دقت رأی را ارتقا دهد. از آنجا که داوران نیز در معرض عوامل بیرونی‌اند، استفاده از مکانیسم‌های مشورتی، کیفیت داورى را بهبود می‌بخشد (MacCoun, ۱۹۹۰: ۳۰۳). همچنین، تصمیم‌گیری گروهی از «تنوع شناختی» بهره می‌برد؛ تنوعی که با گردهمایی دیدگاه‌های مختلف، سوگیری فردی را کاهش می‌دهد. افزون بر این، نظریه «خرد جمعی» نشان می‌دهد که تجميع مستقل دیدگاه‌ها می‌تواند به نتایج دقیق‌تری منجر شود؛ به شرط آنکه فرایند آن مبتنی بر استقلال، تنوع و تمرکز بر شواهد باشد (Herzog & Hertwig, 2009).

یکی از ظرفیت‌های نهادهای برای گذار از تصمیم‌گیری فردی به تصمیم‌گیری جمعی، تشکیل هیئت داورى به جای داور منفرد است. در نظام‌های مختلف داورى، اصل بر حاکمیت اراده طرفین در تعیین تعداد و نحوه انتخاب داوران است، اما در صورت فقدان توافق، مقررات داورى - اعم از قوانین ملی یا قواعد داورى نهادهای - الگوی پیش‌فرضی برای تعداد داوران ارائه می‌کند. برخی نظام‌ها داور منفرد را اصل می‌دانند و برخی دیگر بر هیئت داورى تأکید دارند. برای نمونه، در قواعد داورى ایکسید، جزء «ب» بند ۲ ماده ۳۷ تصریح دارد که اصل بر تشکیل هیئت داورى سه‌نفره است. در مقابل، قواعد داورى اتاق



بازرگانی بین‌المللی در بند ۱ ماده ۱۲، داور منفرد را اصل می‌داند و طبق بند ۲ همان ماده، در صورت عدم توافق طرفین، دیوان به‌طور مستقل داور را منصوب می‌کند. با این حال، در موارد خاص مانند پیچیده بودن موضوع، بالا بودن مبلغ مورد اختلاف یا حضور دولت یا نهاد وابسته به آن به‌عنوان یکی از طرفین دعوا، امکان تغییر داور منفرد به هیئت داورى نیز پیش‌بینی شده است. دیوان داورى بین‌المللى لندن نیز رویه اتاق بازرگانی بین‌المللى را دنبال کرده، مطابق ماده ۸ قواعد داورى خود، تصریح می‌کند که در نبود توافق صریح، داور منفرد تعیین می‌شود. همچنین قواعد داورى آنستیرال در بند ۱ ماده ۷، اصل را بر هیئت داورى سه‌نفره می‌گذارد و در نهایت، قانون داورى تجارى بین‌المللى ایران نیز در ماده ۱۰ همین رویکرد را اتخاذ کرده است. تنوع در رویه‌های انتخاب داور منفرد یا هیئت داورى، بازتابی از تلاش نظام‌های داورى برای انطباق سازوکارهای خود با ویژگی‌ها و ضرورت‌های خاص هر پرونده است. در این میان، تشکیل هیئت داورى با بهره‌گیری از تخصص‌ها و دیدگاه‌های متنوع، امکان کاهش خطاهای فردی و کنترل سوگیری‌های احتمالی را فراهم می‌سازد. این امر به‌ویژه در پرونده‌های پیچیده یا حساس، به اعتبار رأی داورى کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری

غیبت خوانده در مراحل داورى، یعنی غیبت وی در انتخاب داور، ایجاد تأخیر حداکثری در ورود داوران به ماهیت دعوا و فقدان لایحه دفاع، زمینه‌ساز انواع سوگیری‌های شناختی در داور (یا داوران) می‌شود؛ سوگیری‌هایی مانند همکاری، تأییدی، اثر چارچوب، لنگر، منفی‌نگری و دسترس‌پذیری از جمله این سوگیری‌ها هستند. بنابراین، حفظ بی‌طرفی در داورى غیابی دیگر صرفاً به ویژگی‌های ذهنی داور محدود نمی‌شود؛ چراکه در چنین ساختاری که زمینه‌ساز سوگیری است، حتی داور با حسن‌نیت نیز ممکن است ناخواسته در معرض تأثیر این سوگیری‌ها قرار گیرد. به این ترتیب، مسئله بی‌طرفی در اینجا نه یک چالش فردی، بلکه یک چالش ساختاری محسوب می‌شود. اگر ارزیابی بی‌طرفی بر مبنای معیار نوعی انجام شود، داورى غیابی به‌طور ساختاری مستعد بروز سوگیری خواهد بود؛ حتی در غیاب قرینه‌ای خاص نسبت به داور معین، این وضعیت اقتضا می‌کند که تمهیدات پیشگیرانه مورد توجه قرار گیرد.

رعایت کامل الزامات شکلی، استفاده از کارشناسان مستقل و تشکیل هیئت داورى به‌جای داور منفرد - به‌عنوان راهکارهایی برای مقابله با سوگیری‌های شناختی - باید از همان ابتدای روند داورى، یعنی به‌محض غیبت خوانده در مرحله تنظیم قرارنامه،



به کار گرفته شوند. اهمیت این اقدامات نه فقط در ماهیت، بلکه در زمان اجرای آنهاست؛ چراکه سوگیری‌هایی مانند اثر چارچوب و لنگر غالباً در مراحل آغازین شکل می‌گیرند و به صورت زنجیره‌ای بر تصمیمات بعدی تأثیر می‌گذارند. در نتیجه، مداخلات دیر هنگام عمدتاً جنبه‌ای جبرانی دارند و برای پیشگیری از جهت‌گیری ذهنی داور، ناکافی‌اند. از این رو، ضروری است که قوانین داورى کشورها و قواعد نهادهای داورى، راهکارهای مقابله با نقض بی‌طرفی در داورى غیابی را - که شماری از آنها در این مقاله پیشنهاد شد - به صورت صریح در متون خود و در کدهای اخلاق حرفه‌ای داوران الزامی کنند. صرف پیشنهاد چنین تدابیری، بدون تصریح در قوانین یا قواعد نهادی که جزئی از توافق طرفین است، نمی‌تواند کارآمد باشد؛ چراکه اجرای برخی از این تدابیر، نظیر استفاده از هیئت داورى، مستلزم توافق صریح طرفین است و اعمال سایر اقدامات نیز در صورت نبود مستند قانونی، ممکن است از سوی طرف حاضر به مثابه جانب‌داری داور از غایب تلقی شود و رأی را این بار با درخواست خواهان در معرض ابطال قرار دهد. فایده دیگر تصریح چنین راهکارهایی آن است که در صورت تخطی از آنها، نقض بی‌طرفی داور نه صرفاً به عنوان یک ادعای ذهنی، بلکه به مثابه رفتاری عینی و ارزیابی پذیر، قابلیت استناد خواهد داشت. در نهایت، هدف از چنین مقرراتی صرفاً حمایت از حقوق طرف غایب نیست، بلکه تضمین مشروعیت رأی داورى، امکان شناسایی و اجرای آن و ارتقای استانداردهای عدالت در رسیدگی‌های غیابی است؛ منافعی که خواهان نیز حتی با تحمل هزینه‌های مضاعف و طولانی شدن روند رسیدگی، می‌تواند از آن بهره‌مند شود.

منابع و مآخذ

الف: فارسی

کتاب‌ها

۱. ارسطو (۱۳۸۵). اخلاق نیکوماخوس. ترجمه محمدحسن لطفی. تهران: طرح نو.
۲. مصدق السلطنه، محمد (۱۳۹۶). دستور در محاکم حقوقی (کوشش و تصحیح محسنی). تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۱). راهکارهای کاهش سوگیری‌های شناختی به منظور ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری مجلس شورای اسلامی. تهران: دفتر مطالعات بنیادین حکمرانی (گروه ابزارهای حکمرانی).

مقالات

۴. شمس، عبدالله و بطحائی، سید فرهاد (۱۳۹۶). معیار تشخیص استقلال و بی‌طرفی داور. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۰(۷۷)، ۳۹-۶۵.



۵. کبیرآبادی، غزاله (۱۴۰۲). اخلاق حرفه‌ای در داوری تجاری بین‌الملل و مسئولیت‌های ناشی از آن. پنجمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در روانشناسی، حقوق و مدیریت فرهنگی. بازیابی شده از <https://civilica.com/doc/1751149/>
۶. غمامی، مجید (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی رویکردهای ملی و بین‌المللی به داوری در غیاب خواننده. مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۳(۲)، ۶۷۵-۶۹۴. <https://doi.org/10.22059/JCL.2022.339402.634316>
۷. قماش‌سی، سعید و اختری زواره، محمدعلی (۱۴۰۱). مطالعه نظری نقش احساسات و عواطف در تصمیم‌گیری‌های قضایی؛ با تکیه بر رویکرد تصمیم‌گیری دو روشی. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۳(۲)، ۱۸۹-۲۱۳. <https://doi.org/10.22124/jol.2022.20104.2178>
۸. شهلا، مهدی و یشارتی، لیل (۱۳۹۸). نقش دادگاه‌های ملی در داوری تجاری بین‌المللی در حقوق ایران و فرانسه. مجله حقوقی بین‌المللی، ۴۶(۶)، ۹۳-۱۰۱. <https://doi.org/10.22066/cilamag.2019.35077>
۹. یاحد، شقایق و معبدی، رضا (۱۳۹۴). استقلال یا بی‌طرفی داور: تضاد یا تمایز؟ (مطالعه تطبیقی در داوری تجاری بین‌المللی). مجله حقوق خصوصی، ۶(۱)، ۳۹۳-۴۱۲. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.1735496.1394.6.1.18.7>

- Books

10. Born, G. B. (2014). International Commercial Arbitration. 2nd ed., Vol. 3. Kluwer Law International.
11. Gawande, A. (2009). The checklist manifesto: How to get things right. Metropolitan Books.
12. Hart, H. L. A. (1994). The Concept of Law. 2nd ed. Clarendon Press.
13. Kahneman, D. (2011). Thinking, Fast and Slow. Farrar, Straus and Giroux.
14. Redfern, N. Partasides, C., Redfern, A., & Hunter, M. (2015). Redfern and Hunter on International Arbitration (6th ed.). Oxford University Press.
15. Berscheid, E. & Walster, E. (1978). Interpersonal Attraction. Addison-Wesley.

- Articles

16. Barry, B. M. (2023). Judging better together: Understanding the psychology of group decision-making on panel courts and tribunals. International Journal for Court Administration, 14(1), 6, 1-18 <https://doi.org/10.36745/ijca.479>
17. Berryessa, C.; Cho, A.; Navarre, R. (2022). Constraining prosecutors and other advocates who become judges: Addressing pro-prosecution bias in judicial decision-making. Legal and Criminological Psychology, 27(1), 45-63.
18. Bourgeois, S. & Bonnefon, J.-F. (2021). The Impact of Cognitive Biases on Professionals' Decision-Making. Frontiers in Psychology. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.802439>
19. Corns, J. (2018). Rethinking the negativity bias. Review of Philosophy and Psychology, 9(3), 607-625. <https://doi.org/10.1007/s13164-018-0382-7>
20. Dovidio, J. F. & Gaertner, S. L. (2004). Aversive racism. Advances in Experimental Social Psychology, 36, 1-51. [https://doi.org/10.1016/S0065-2601\(04\)36001-6](https://doi.org/10.1016/S0065-2601(04)36001-6)
21. Herzog, S. M. & Hertwig, R. (2009). The Wisdom of Many in One Mind: Improving Individual Judgments with Dialectical Bootstrapping. Psychological Science, 20(2), 231-237. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9280.2009.02271.x>
22. Kahneman, D. & Frederick, S. (2002). Representativeness revisited: Attribute substitution in intuitive judgment. In T. Gilovich, D. Griffin, & D. Kahneman (Eds.), Heuristics and Biases: The Psychology of Intuitive Judgment, Cambridge University Press. 49-81. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511808098.004>

23. MacCoun, R. J. (1990). The emergence of extralegal bias during jury deliberation. *Criminal Justice and Behavior*, 17(3), 303–314. <https://doi.org/10.1177/0093854890017003006>
24. Malleville, C. & Le Bras, J. (2023, September 21). The landscape of arbitrators in France. Clyde & Co. Retrieved from <https://www.clydeco.com/en/insights/2023/09/the-landscape-of-arbitrators-in-france>
25. Nickerson, R. S. (1998). Confirmation bias: A ubiquitous phenomenon in many guises. *Review of General Psychology*, 2(2), 175–220. <https://doi.org/10.1037/1089-2680.2.2.175>
26. Oeberst, A. & Imhoff, R. (2025). Targeting cognitive biases to improve social cognition and social-emotional health. *Frontiers in Psychology*, 16, Article 1534125. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2025.1534125>
27. Puig, S. & Strezhnev, A. (2017). Affiliation Bias in Arbitration: An Experimental Approach. *The Journal of Legal Studies*, 46(2). <https://doi.org/10.7910/DVN/9FWNBM>
28. Rachlinski, J. J.; Guthrie, C.; Wistrich, A. J. (2007). Heuristics and Biases in Bankruptcy Judges. *Journal of Institutional and Theoretical Economics (JITE)*, 163(1), 167–186.
29. Roediger, H. L. & DeSoto, K. A. (2015). Memory bias: A pervasive influence on memory accuracy. *Current Directions in Psychological Science*, 24(5), 362–367. <https://doi.org/10.1177/0963721415594600>
30. Rozin, P. & Royzman, E. B. (2001). Negativity bias, negativity dominance, and contagion. *Personality and Social Psychology Review*, 5(4), 296–320. https://doi.org/10.1207/S15327957PSPR0504_2
31. Salomon, C. & Loibl, F. (2020). How to respond to respondents' non-participation in international arbitration. *The Journal of the Chartered Institute of Arbitrators*. Retrieved from <https://www.lw.com/en/insights/2020/08/salomon-loibl-non-participation-international-arbitration>
32. Tversky, A. & Kahneman, D. (1974). Judgment under Uncertainty: Heuristics and Biases. *Science*, 185(4157), 1124–1131.
33. Tversky, A. & Kahneman, D. (1981). The framing of decisions and the psychology of choice. *Science*, 211(4481), 453–458. <https://doi.org/10.1126/science.7455683>
34. Xu, X.; Potters, J.; Suetens, S. (2020). Cooperative versus competitive interactions and in-group bias. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 179, 69–79. <https://doi.org/10.1016/j.jebo.2020.08.041>

